

# شاه‌رفت



ساعت ۱۲ و ۸ دقیقه روز ۲۶ دی سال ۱۳۵۷ محمد رضا پهلوی و فرح دیبا با بدرقه شاپور بختیار نخست‌وزیر، علیقلی اردلان وزیر دربار، نصرت‌الله مبینیان رئیس دفتر مخصوص، دکتر جواد سعید رئیس مجلس شورای ملی، سپهبد عبدالعلی بدره‌ای فرمانده نیروی زمینی، علی نشاط فرمانده گارد جاویدان،ارتشبدعباس قره‌باغی رئیس ستادبزرگ ارتشتاران و گروهی از شخصیت‌های لشکری و کشوری، فرودگاه مهر آباد تهران را با هواپیمای جت ۷۲۷ شاهین به مقصد مصر (آسوان) مصر ترک کرد. محمدرضا پهلوی پیش از ترک ایران در گفت و گو با خبرنگاران داخلی و خارجی گفت: «همان طور که به هنگام تشکیل این دولت گفته بودم مدتی است احساس خستگی می‌کنم و احتیاج به استراحت دارم. ضمناً گفته بودم پس از این که خیالم راحت شود و دولت مستقر گردد، به مسافرت خواهم رفت. این سفر اکنون آغاز می‌شود و تهران را به سوی آسوان در مصر ترک می‌کنم. امروز با رأی مجلس شورای ملی که پس از رأی سنا داده شد، امیدوارم که دولت بتواند هم به جبران گذشته و هم در پایه‌گذاری آینده موفق شود.» آخرین پادشاه ایران در پاسخ به مدت سفر گفت: «این بستگی به حالت مزاجی من دارد و در حال حاضر نمی‌توانم دقیقاً آن را مشخص کنم.»

### روز شمار

گردآوری:محمدگرشاسبی

**۱۱ مهر**
امام خمینی به قصد خروج از عراق، نجف را به مقصد کویت ترک کرد. امام ساعت ۲ بعد از ظهر به مرز «عبدلی» کویت رسید. اما دولت کویت مانع ورود امام شد. در نتیجه امام از فرودگاه بغداد راهی فرانسه شد و روز ۱۵ مهر از پاریس به دهکده نوفل لوشاتو رفت.

مسجد جامع کرمان توسط عده‌ای از اوپاش طرفدار رژیم به آتش کشیده شد. در این یورش بسیاری از زبلوهای مسجد و قرآن‌ها و کتاب‌های مذهبی آن در آتش سوخت. در این حوادث ۱۲ نفر شهید و پانصد نفر مجروح و ۱۵۰۰ متورسبکلت و تعداد زیادی مغازه به آتش کشیده شد.

**۱۱ آبان**
محمدرضا پهلوی در پاسخ اردشیر زاهدی در واشنگتن که تلفنی آمادگی خود را برای جمع‌آوری افراد جهت انجام تظاهرات به نفع حکومت اعلام کرده بود، گفت: «اوضاع نه تنها مانند سال ۱۳۳۲ نیست بلکه حتی مانند دو هفته پیش هم نیست.»

**۱۳ آبان**
دهها دانش آموز و دانشجو در دانشگاه تهران توسط مأموران به خاک و خون کشیده شدند. متعاقب این حادثه وزیر علوم استعفا داد و بازار تهران تعطیل شد.

##### ۱۴ آبان

جعفر شریف‌امامی یک روز پس از کشتار دانش آموزان و دانشجویان در دانشگاه تهران از نخست‌وزیری استعفا داد و ارتشبد غلامرضا اژه‌اری از سوی شاه مأمور تشکیل کابینه شد.

##### ۲ آذر

مأمورین حکومت نظامی به سوی تظاهرکنندگانی که در حرم حضرت امام (رضاع) پناه گرفته بودند شلیک کردند و عده‌ای شهید و زخمی شدند. آیات عظام گیلایگانی و مرعشی نجفی به مناسبت کشتار در حرم حضرت رضاع(ع) اعلامیه دادند که «به منظور اعتراض به این عمل بی ادبانه و ظالمانه روز ۵ آذر عزای عمومی خواهد بود.»

##### ۱۱ آذر

آیت‌الله طالقانی به مناسبت کشتار شب اول محرم، اعلامیه داد. روزنامه «السیاسیه» تلفات مردم در روز اول ماه محرم را سه هزار کشته و زخمی اعلام کرد. یونیاتیدپرس حوادث شب اول محرم را رعب‌انگیز خواند.

##### ۱۹ آذر

راهپیمایی تاریخی در روز تاسوعای حسینی با شرکت میلیونی مردم در تهران و شهرستان‌ها برگزار شد.

راهپیمایی روز عاشورا نیز با حضور میلیونی مردم تهران برگزار شد. امام اعلام کرد «تظاهرات تاسوعا و عاشورا یک رفتارندم سراسری بود که راه عذر را از همه سلب کرد و کسی دیگر نمی‌تواند ادعا کند شاه قانونی است.»

### کنفرانس گوادلوپ

# ترس از یک انقلاب

بعد بحث بر سر این شد که آیا با خمینی [امام] باید تماس گرفته شود یا نه؟ کالاهان موافق مذاکره با امام بود. اما برژینسکی می‌گفت: «باید اول اطمینان حاصل کرد شاه هم با این کار موافق است یا نه. در ضمن چنین اقدامی مطمئناً روحیه رهبران ارشد ارتش را ضعیف می‌کند و مهاجرت آنان را از کشور افزایش می‌دهد.» کالاهان بر سری بودن این مذاکره اصرار داشت اما برژینسکی می‌گفت: «این اقدام افشا خواهد شد و پیرمرد ۷۸ ساله را نمی‌توان از طریق یک گفت‌وگوی ساده یا یک فرستاده امریکایی تحت نفوذ درآورد. علاوه بر این افکار عمومی امریکایی‌ها یک چنین اقدامی را درک نخواهد کرد. ضمناً این عمل اعتماد و اطمینان به رژیم شاپور بختیار را در تهران از بین خواهد برد.» کارتر از ژیسکار دستن خواست که ما از طریق شما تماس‌های مستقیمی با آیت‌الله داشته باشیم.

اما دیگران او را منصرف کردند. کارتر گفت: «ما ترتیب پذیرایی از شاه را در امریکا می‌دهیم تا شاه ایران را ترسک کند.» پیشنهاد خروج شاه از این رو بود که آنها شخص محمدرضا پهلوی را مانعی برای هرگونه عمل طاعانه می‌دیدند و می‌دانستند با این دست و آن

### مهدی بازرگان نخست وزیر شد

# تشکیل دولت موقت

سه روز بعد از آنکه مسافران هواپیمای ایرفرانس در مهرآباد از پله‌های هواپما پایین آمدند، راهی خیابان عین‌الدوله (ایران) شدند تا در مدرسه رفاه مستقر شوند، رهبر انقلاب با اعلام اینکه: «چون ما مجلس را غیرقانونی می‌دانیم و دولت را هم غیرقانونی می‌دانیم و اوضاع کشور را آشفته می‌بینیم، برای اینکه خاتمه بدهیم به وضع آشفته کشور، به واسطه انکا به آرای عمومی، یک دولت و رئیس دولتی را معرفی می‌کنیم» مهدی بازرگان را به‌عنوان رئیس دولت موقت معرفی کرد. همان روز در آمفی تاتر مدرسه علوی، اکبر هاشمی رفسنجانی حکم مهندس بازرگان را قرائت کرد و به او تحویل داد. بازرگان در سخنرانی خود در این مراسم گفت: «این مأموریت، یعنی سیاست دولت موقت و تشکیل حکومت در شرایط بسیار دشوار و خطرناک، عظیم‌ترین شغل و وظیفه و در عین حال بزرگ‌ترین افتخاری است که به بنده واگذار شده است. و شاید حق داشته باشم بگویم که دشوارترین وظیفه و کاری است که در طول تاریخ ۷۲ساله مشروطیت ایران به نامزدها و مأموران نخست‌وزیری‌های دیگر داده شده باشد.» حالا ایران دو دولت داشت، دولتی رسمی با سکانداری شاپور بختیار و دولتی که مورد قبول انقلابیون بود با ریاست مهدی بازرگان. بازرگان ۵روز بعد از تحویل گرفتن حکم نخست‌وزیری خود، به دانشگاه تهران رفت تا برنامه‌های دولت موقت را برای مردم و دانشجویان تشریح کند. طبق گزارشی که روزنامه کیهان روز شنبه ۲۱ بهمن از این مراسم منتشر کرده است، رئیس دولت موقت در این سخنرانی گفت: «از حالا باید عرض کنم که از این بنده حقیر سراپا نقضیر انتظار «علی» بودن نداشته باشید. علی نیستیم که همان شب اول بگویم: «معاویه از جایت بلند شو»

حتی انتظار رهبری و مرجع عالیقدری که بنده را مأمور و مفتخر به این خدمت کرده‌اند و با عزم راسخ و ایمان و قدرتش سر به زیر انداخته و بولدوزروار حرکت می‌کند و حرکت کرده، صخره‌ها و ریشه‌ها و سنگ‌ها را سر جایش خرد کرده ولی پیش رفته و می‌رود، این انتظار را هم از بنده نداشته باشید.» بازرگان در مورد وزرای که قرار بود در روزهای آینده معرفی کند هم گفت: «تضمین به اینکه هیچ عیبی، ایرادی، خطایی، نقصی نباشد و از دست ما گناهی و ناحقی سر نزنند ندارم. اگر شما دارید، فکرتان را عوض کنید. نمی‌گویم دولت را عوض کنید. می‌گویم فکرتان را عوض کنید.»بیست‌وچهارم بهمن بود که بازرگان بعضی از اعضای دولت موقت را معرفی کرد، تعدادی از آنها هم با اندکی فاصله در روزهای ابتدای اسفند معرفی شدند. یدالله سجایی مشاور بازرگان در طرح‌ها و برنامه‌های انقلاب شد، کاظم سامی وزیر بهداری و بهزیستی، علی اکبر معین فر وزیر نفت، محمدولی قرنی رئیس ستاد ارتش، ابراهیم یزدی معاون امور انقلاب، عباس امیرانتظام سخنگوی دولت موقت، کریم سنجایی وزیر امور خارجه، داریوش فروهر وزیر کار و امور اجتماعی، علی اردلان وزیر اقتصاد، علی شریعتمداری وزیر علوم و فرهنگ و هنر، احمد مدنی وزیر دفاع و… کابینه بازرگان در طول ۲۷۵ روز فعالیت خود، برگزاری یک همه‌پرسی، تهیه پیش‌نویس قانون اساسی، تدوین و تصویب لایحه انتخابات مجلس خبرگان و برگزاری انتخابات مجلس خبرگان را در کارنامه کاری خود ثبت کرد. دولت موقت در کمتر از یک سال حضور خود در بحرانی‌ترین روزهای تاریخ معاصر ایران، روزهای پرماجرایی را پشت سر گذاشت. بعضی از اعضای کابینه با دلایل مختلف استعفا دادند و بعضی از انقلابیون



##### ۵ دی

مأموران حکومت نظامی برای شکستن اعتصاب استادان دانشگاه به وزارت علوم حمله کردند که در جریان این حمله استاد کامران نجات‌اللهی به شهادت رسید.



##### ۷ دی

محمد رضا شاه، شاپور بختیار را مأمور تشکیل کابینه کرد. بختیار توسط سپهبد ناصر مقدم رئیس ساواک به شاه معرفی شد. ارتشبد غلامرضا اژه‌اری از مقام نخست‌وزیری استعفا کرد.



دور بودن ذهنی و مکانسی از وقایع و درگیری‌ها، کمترین دیوار نوشته‌ها را داشته‌اند. میان شهر چون مرکز تجمعات و راهپیمایی‌ها و تظاهرات بوده بیشترین دیوار نوشته‌ها را داشته است. همچنین در پایین شهر به‌دلیل درگیری‌های اجتماعی و سیاسی و مذهبی و کشتارهایی که در این مناطق صورت می‌گرفت، تعداد دیوار نوشته‌ها نسبتاً زیاد است. از آن جایی که خیابان‌ها مسیر اصلی راهپیمایی‌ها و معبر اصلی عبور و مرور مردم بودند بیشتر دیوار نوشته‌ها بر دیوار خیابان‌ها نقش بسته است و دیوار نوشته کوچه‌ها بیشتر از سوی افراد محلی انجام می‌شده است.» همچنین این تحقیق نشان می‌دهد که بخش مهمی از دیوار نوشته‌ها به دستخط‌هایی کاملاً عادی و بدون هیچگونه شیوه منظم و خوشنویسی، نوشته شده‌اند که نشان می‌دهد بخش مهمی از افرادی که اقدام به دیوار نویسی‌ها می‌کردند از مردم عادی شهر بوده‌اند. همچنین بیشتر شعارهایی که با شابلون روی دیوارها نقش بسته است با استفاده از خط نسخ و نستعلیق نوشته شده‌اند.

در برخی از مناطق و برخی شهرهای کشور با گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز می‌توان رد برخی از دیوار نویسی‌های انقلابیون را دید؛ دیوار نویسی‌هایی که باید به‌عنوان بخشی از تاریخ انقلاب با کمک متخصصان آنها را حفظ کرد.

# دیوارها انقلاب را

## فریادمی‌زنند

یکی از راه‌های مبارزه مردمی بخصوص جوانان با حکومت شاه دیوار نویسی‌ها بود آن هم در زمانی که رسانه‌های اجتماعی مثل امروز وجود نداشت؛ رادیو و تلویزیون ذوب در حکومت پهلوی بود و مطبوعات زیر تیغ شدید سانسور قرار داشتند. دیوار نویسی‌هایی که بخصوص در خیابان‌های عمومی شهر جلوه ای ویژه داشت و از همین جهت هم بود که ساواک، ارتش و ژاندارمری برای جلوگیری از این موضوع گشت‌های شبانه در شهر گذاشته بود تا صبح عابران پیاده شاهد سرعت گرفتن سقوط حکومت پهلوی و گسترش مخالفت‌های مردمی نباشند. دیوار نویسی‌هایی که در سال ۵۷ و بخصوص در پاییز و زمستان شدت افزایش یافته و دیوارهای شهر را به بوم‌های مبارزه بدل کرده بود و در این بین مأموران هم مجبور بودند هر صبح با سطل رنگ به جان این شعارها بیفتند: «مرگ بر شاه»، «درد بر خمینی»، «شاه خیانت می‌کند، ساواک جنایت می‌کند، کارتر حمایت می‌کند» «بی نفتی، بی‌نوی، گرسنگی می‌کشیم»، «به همت خمینی شاه تو را می‌کشیم»، «بعد از نماز عشاء صد بار بگو مرگ بر شاه»، «رهبر فقط روح‌الله»، «شهید قلب تاریخ است»، «نصر من‌الله و فتح قریب»، «تا مرگ شاه نهضت ادامه دارد» و…

انقلابیونی که آن روزها شعارنویسی در شهرها را برعهده داشتند در خاطر‌اتشان تعریف می‌کنند که معمولاً نیمه‌های شب یا دم، دمای صبح در گروه‌های دو یا سه نفری برای شعارنویسی می‌رفتند و بی‌ک یا دو نفر مشغول نوشتن شعارها با اسبرهای رنگ یا قلم مو و قوطی رنگ می‌شدند و یکی دو نفر هم از سر و ته کوچه و خیابان کشیک می‌دادند که مأموران ناگهان سر نرسند. در این بین بخشی از شعارنویسی‌ها و بخصوص تصاویر امام خمینی هم از قبل با شابلون یا فیلم‌های رادیولوژی آماده می‌شد و زمان شعار نویسی‌ها یک نفر مسئول نگه داشتن شابلون روی دیوار بود و نفر بعدی سریع با اسپری رد رنگ را روی دیوار می‌انداخت تا تصویرهای انقلابی سیمای شهر را پپوشاند.

تحقیقی که از سوی نفیسه بزرگ‌زاده شهدادی و ام‌الله فرهادی روی دیوار نوشته‌های زمان انقلاب انجام شده است، نشان می‌دهد: «بالای شهر به علت